



نوروز؛ جشن زندگی / عالم و آدم در نوروز به یکدیگر پیوند می خورند

نوروز تنها جشن ایرانیان نیست، جشن زندگی است و از میان رویدادهای مختلف که مبدا تاریخ قرار گرفته اند، زندگی با نوروز آغاز می شود و همزاد افسانه ها و اساطیر است.

نوروز تنها جشن ایرانیان نیست، جشن زندگی است و از میان رویدادهای مختلف که مبدا تاریخ قرار گرفته اند، زندگی با نوروز آغاز می شود و همزاد افسانه ها و اساطیر است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: همتای واژه (عید) در زبان های ایرانی (جشن) یا (یسن) است که از ریشه YAZ به معنای ستایش، نیایش و پرستش (ایزد) به معنای ستایش شده و نیایش شده گرفته شده بنابراین (جشن) واژه ای ایرانی، مذهبی و بسیار کهن است که باری گران از معناها و سنت های ویژه ایرانی را بر دوش دارد؛ این واژه در اصل عبارت بوده است از برپایی مراسم نیایش و سپاس به مناسبت رخداد یک پیروزی، یک واقعه اجتماعی یا یک معجزه آسمانی که سودی برای اجتماع داشته باشد.

نوروز به عنوان یکی از بزرگترین جشن های ملی ایرانیان، بازمانده یکی از کهن ترین اساطیر آفرینش و تجدید حیات کیهانی در اعتقادات و باورهای هزاران سال پیش اقوام ایرانی است. شاید ساده ترین تعریف اسطوره در قالب یک مثال این باشد که درست زمانی که ۲۴ ساعت از شبانه روز می گذرد، آخرین ثانیه آن یعنی صفر که به منزله پایان یک شبانه روز است، همان نقطه آغاز شبانه روزی دیگر است. یعنی، ازلیتی که به ابد می پیوندد و ابدیتی که به ازل گره می خورد و به همین دلیل هم در اسطوره، تاریخ به معنی «کرونولوژی» وجود ندارد. نوروز، از این دیدگاه همان عدد صفری است که عقربه های آن یک سال را می پیماید تا بعد از مرگ یک سال، سالی دیگر زاده شود.

در طول دوران باستان پدیده های مختلف کیهانی موجبات برگزاری جشن های مختلفی را مثل جشن مهرگان، جشن شب چله و .. را فراهم می کرده است. برهمین اساس وقتی پرتو آفتاب به برج حمل می افتد نوروز می شود. عنوان نوروز در فرهنگ ایرانی به دو روز تعلق داشته است. یکی روز اول فروردین، که پدیده کیهانی اشاره شده اتفاق می افتد و دیگری نوروز بزرگ یا (نوروز خاصه) است که روز خرداد از ماه فروردین است. اینکه خیلی ها آغاز شدن نوروز را به زمان جمشید نسبت می دهند یک افسانه است که نمی توان در باب آن قضاوت کرد. مراسم نوروز و جشن های این چینی در بسیاری از مناطق و فرهنگ های مشابه رخ می دهد و در بسیاری از فرهنگ های دیگر مثل چین، همین جشن را در وسط زمستان برگزار می کنند، اما در فرهنگ های جهانی هیچ کجا، به اندازه عید نوروز ما عمومیت ندارد، چرا که با نوشدن طبیعت تطبیق می کند و عالم و آدم به یکدیگر پیوند می خورند.

مهم ترین ویژگی نوروز، رستاخیز و دوباره از نو شدن آن است. به قول جلال ستاری، اسطوره شناس معروف کشورمان تجدید عهد از مهم ترین نشانه های اسطوره ای کشورمان است؛ به این معنا که در نوروز حال کهنه به مرور فرسوده می شود، قوت و برکت خود را از دست می دهد و پیر و کهنه می شود. نوروز پس از این کهنگی، تجدید عهد است، جوانی و شادابی و خرمی در نوروز از نو می آید. این مفهوم، خود مفهومی اسطوره ای است، به این دلیل که مردم این امر را طبیعی نمی بینند، بلکه طبیعتی را می بینند که زنده می شود و نشاط مجدد می یابد. «کهنگی» در مقابل «نوشدگی» یک زمینه اسطوره ای است. بنابراین در نوروز چیزی که کهنه و به مرگ نزدیک شده، رستاخیز می کند. نکته بسیار مهمی که در اینجا قابل بحث است پیوند موضوع رستاخیز طبیعت با رستاخیزی است که در آیات و روایات مختلف دینی به آن اشاره شده است به بیان دیگر نوروز و پدید آمدن یک فصل دیگر خود نشانه خوبی برای به یادآوردن دنیای دیگر رستاخیزی است که در تعالیم دینی به آن پرداخته شده است به عبارت دیگر می توان چگونگی زنده شدن مردگان و زندگی و حیات پس از مرگ را به زندگی مجدد در گیاهان در طبیعت و فصل بهار تشبیه کرد.

برگزاری جشن سال نو و عید در همه کشورها رایج است و هر کشوری به رسم و در زمان خودش سال نوی خود را آغاز می کند اما نوروز نسبت به سایر جشن ها چند ویژگی و تمایز فوق العاده دارد؛ یک تمایز را می توان در این دانست که نوروز یک جشن کیهانی است که مرتبط با تولد و مرگ کسی نیست. در فرهنگ های دیگر این جشن در ارتباط با میلاد یک فرد مانند مسیح قرار می گیرد در حالی که در نوروز صحبت از رستاخیز طبیعت است. دومین تمایز را می توان در تغییر زمان برگزاری این جشن دانست که در بسیاری فرهنگ ها در وسط زمستان است. اما، مزیت فوق العاده ای که نوروز دارد در این است که با بهار آغاز می شود. امتیاز دیگر این جشن بر فرهنگ های دیگر همزمانی عید ما با نوشدن طبیعت است. در نوروز نوشدگی عالم کبیر با نوشدگی عالم صغیر همراه می شوند؛ طبیعت نو می شود، من نیز نو می شوم. در مراسم نوروز لباس نو پوشیده می شود، شست و شو صورت می گیرد، آراستگی انجام می شود و... که این اعمال و نوشدگی رفتار همزمان با نوشدگی عالم طبیعت می گردد بنابراین تقارن آدمی و طبیعت از امتیازات نوروز است. دعایی هم که امروزه برای نوروز خوانده می شود «حَوَلْ حَالِنَا اِلَى اَحْسَنِ الْحَالِ» همان مفهوم کلی نوروز یعنی تحول پیدا کردن حال ها و نوشدن را دارد.

برای برگزاری جشن نوروز از گذشته تا به حال مراسم مختلفی برگزار می شده که البته امروز فقط از آن سفر رفتن، خرید کردن،

دید و بازدید و امثال اینها به جا مانده ولی در گذشته های دور رسم های مثل آب پاشیدن روی یکدیگر یا آتش روشن کردن باب بوده است؛ نکته قابل ذکر و مهم در این باره این است که ماجرای نوروز، قداست برخی عناصر است و نه دیانت آنها. نوروز قداست آب و آتش است و نه آب پرستی و آتش پرستی.

هانری کربن این مساله را به خوبی بیان می کند و نشان می دهد چگونه عواملی از ایران باستان به تشیع وارد می شود و در آن ماندگار می گردد. برای مثال، ماهی قرمز که امروزه در سفره های هفت سین وجود دارد، در گذشته و در منابعی که از دوران باستان موجود است، در مراسم نوروز حضور نداشته ، اما امروزه با ترکیب شدن با داستان های دینی مانند حضرت یونس، بدل به امری مهم در سفره هفت سین گشته که عنصری وارد شده از بیرون است، چرا که خود ماهی قرمز نیز در اصل متعلق به چینی ها است. بنابراین بسیاری از عناصر نوروزی سمبلیک اند و معنای رمزی دارند که ممکن است به مرور رمزی جایگزین رمز دیگر شود، در حالی که اصل سر جای خودش باقی است و اصل در نوروز و در این نو شدن ها، همان تقارن دنیای صغیر و کبیر است بنابراین اگر بخواهیم نوروز واقعی را به مردم بشناسانیم باید از آن خرافه زدایی کنیم.

نوروز، تنها جشن ایرانیان نیست، جشن زندگی است. از میان رویدادهای مختلف که مبدا تاریخ قرار گرفته اند، زندگی با نوروز آغاز می شود و نوروز همزاد افسانه ها و اساطیر است که تاریخ ما را می سازد. به قول میرجلال الدین کزازی، شاهنامه پژوه و پژوهشگر برجسته ایرانی در زبان و ادبیات فارسی، نوروز برترین نماد و نشانه فرهنگ ایرانی و به نوع درفش این فرهنگ است و اگر بخواهیم در میانه ی نشانه ها و هنجارهای گوناگون فرهنگ ایران یکی را برگزینیم آن نشانه نوروز است. ما کشورهایی را می شناسیم که در جغرافیای ایران نبوده اند، پارسی زبان هم نیستند، اما جشن نوروز به گونه ای در این کشورها نمود و بازتاب دارد. به همین دلیل است که می گوئیم درفش فرهنگ ایران، جشن و آیین نوروزی است.